

سینما رکس آبادان یا کشتار جمعی در اسلام

امیر فیض- حقوقدان

بمناسبت سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان این تحریر علاقمند به ورود به آن موضوع است؛ ولی نه فاجعه مزبور بلکه بحث حقوقی یعنی ملاحظه نفس عمل آتش اندازی بر جمعیت تماشاچیان سینما رکس با حقوق اسلامی.

زیرا در توجه فاجعه و جنایت سینما رکس آبادان به شورشیان مسلمان ۵۷ علاوه بر آنکه تردیدی نیست از سوی شخصیت ها و شهود عینی مورد بحث و نقد قرار گرفته است که میتوان به آخرین و صریح ترین آنها شهادت سرهنگ اردشیر بیات اشاره کرد.

ولی مسیر این تحریر انگیزه های اسلامی و مسائل حقوقی اسلام درباره کشتارهای جمعی است که سینما رکس آبادان هم میتواند جزئی از آن بحساب آید.

واما بعد

اجازه فرمائید این تحریر در کلیات حرکت داشته باشد و تنها یک اشاره تطبیقی بین آتش زدن سینما رکس آبادان و سنت محمد ارانه شود که شاید ناگفته هانی درباره آتش زدن سینما رکس آبادان هم گفته شده باشد.

مشروعیت هدف و موانع

اسلام عقیده دارد که مشروعیت هدف عالی و نهانی اسلام که فراگیری اسلام در جهان است هر اقدامی که برای گذر از موانع پیشروی اسلامی لازم است انجام آن شرعی و حلال و بلکه واجب است.

فلسفه جهانگیری اسلام برای اولین بار از سوی عایشه زن محبوب پیامبر در عبارت تاریخی چنین اعلام گردید:

<من خواهان قدرت بوده ام و میخواستم قدرت را بدست بیاورم تا اینکه بتوانم بیریق اسلام را در

سراسر دنیا به اهتزاز در آورم و تمام اقوام جهان را مسلمان کنم و زمین بر اثر توسعه اسلام که متضمن

(عایشه بعد از محمد صفحه ۴۵۸)

سعادت مردم میباشد مبدل به بهشت گردد.>

اقتضای موفقیت در این هدف نهایی اسلام که این هدف در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم پیاده شده است کشتار جمعی است، نه موعظه مخالفین و یا احتمالاً محاکمه و کشتن یکایک مخالفان. از آنجا که مخالفان محمد از بدو امر گروهی بوده اند سیاست کشتار جمعی است و اساس استراتژی او شد و این استراتژی که با آیات قرآن هم جور می‌آید، مورد عمل مسلمانان قرار گرفت.

چرا با آیات قرآن هم کشتار جمعی جور می‌آید؟ به این دلیل است که، قرآن حکم کلی درباره قتل کفار دارد و چون کفار، جمع است و فرد، جزئی از کل و جمع است، لذا اجرای حکم کشتار جمعی کفار، کلی است که جزء که فرد کافر باشد راهم دربرمیگیرد به همین دلیل است که در تاریخ اسلام کمتر دیده میشود که کسی به اتهام کفر محکمه و بقتل رسیده باشد.

حکم کشتار جمعی در اسلام نیاز به اجازه پیامبر و در تشیع، امام و در غیاب امام مجتهد اعظم دارد و بدون حکم منابع مزبور کشتار جمعی مجاز نیست.

جرانایزه فتوا

علت این مهم یعنی کشتار جمعی و یا حتی افراد نیاز به فتوا دارد این است که قرآن اکثر انسان ها را نادان و گمراه میدانند آنهم در حدی که اگر از نظر آنان پیروی شود کار به گمراهی و ضلالت کشیده میشود. بنابراین اسلام اعم از تشیع و یا تسنن به کسانی اختیار حکم و فتوا داده که آنان بر توده مردم از نظر فهم و ادراک و آگاهی از مبانی شرعی و قرآن تبحر و الویت دارند.

بنابراین جنایات در جامعه اسلامی بر دورکن قرار دارد نخست حکم اسلام و دوم فتوا.

در نتیجه جنایاتی که با فتوای شرعی صورت می‌گیرد کوچکترین اعتراضی از نظر حقوق اسلامی و یا اخلاق اسلامی متوجه آن نیست؛ نمونه حاضر و زنده آن جنایت حسن تکبلی زاده است که با فتوایی که برای آتش زدن سینمای رکس صادر شده بود مفتخرانه به آن عمل دست زد.

اظهارات حسن تکبلی زاده و صراحت و اصرار او در تعلق اتهام آتش زدن سینما رکس به او، نشانی است که کسانی که مامور اجرای فتاوی میشوند، علاوه بر آنکه با وحشتی روبرو نیستند بلکه آنرا افتخاری هم برای عالم اسلام میدانند (همین حالت و روحیه در تروریستهای داعش کاملاً محسوس است).

آقای آندره گلکسمن در فیگارو نوشت:

> استالین جنایات خود را مخفی میکرد و قتل عام کاتین را بر عهده نگرفت. هیتلر راه حل نهانی را در پرده ای از ابهام قرار میداد اما اسلامیون در پای جنایات خود و تکه، تکه کردن افراد بیگناه امضا می‌گذارند و آنرا هدیه ای به خدا تلقی میکنند. (کیهان لندن شماره ۶۸۹)

جراکشتار جمعی

تاریخ اسلام که نمونه های دم دستی از آن در این تحریر آورده شده حکایت از کشتارهای جمعی دارد سوال اینجاست که چرا کشتارها بصورت جمعی عمل شده است.

پاسخ میتواند آن باشد که:

اولا کشتارهای جمعی ایجاد وحشت زیاد میکند و قدرت مقاومت را سلب مینماید درحالیکه درکشتارهای فردی ویا محاکمه این وحشت بوجود نمیآید.

نمونه تاریخی در مورد بالا

«هنگام جنگ بارومیان به حضرت محمد خیررسید که گروهی از مسلمانان با اعزام به جنگ مخالفند و آنها در خانه شوپلم یهودی اجتماع کرده اند، محمد طلحه را با گروهی مامور کرد و آنها آن خانه را محاصره و آتش زدند، و فقط یکنفر توانست از آن فاجعه نجات یابد که آنها هم پایش شکست و آیه ۸۱ سوره برانه نازل گشت».

(تاریخ اسلام)

با آتش زدن خانه شوپلم و سوختن آن عده مسلمان مخالف جنگ دیگر هیچ مقاومتی درمقابل محمد بوجود نیامد در صورتی که اگر محمد میخواست مخالفین را محاکمه ویا با آنها مذاکره کند هیچ موفقیتی نداشت.

دوم اینکه درکشتارهای جمعی علاوه بر آتش زدن جمعی از زن و کودک هم مشمول کشتار میشوند واین امر بر عمق و گسترش وحشت میافزاید و بطور طبیعی هم از قدرت مقاومت میکاهد و هم میل به مقاومت را تبدیل به فرار میکند.

این درحالیست که اسلام تجویز کرده که برای پیشرفت اسلام و رفع موانع، انسان پیرو جوان و کودک اهمینی ندارد (سپرانسانی در جهاد قابل اعتنا نیست) یعنی استراتژی کشتار جمعی را قبلا اسلام تدوین کرده است.

سوم اینکه با انتشار خبر کشتارهای جمعی طبیعت انسان متوجه فرار میشود، نه مقاومت ولی در حالت کشتار فردی ویا ایجاد مزاحمت ویا محاکمه ویا مخالفت طبیعت انسان درحالت مقاومت و اعتراض درمیآید.

داعش با همین سیاست کشتار جمعی و ایجاد وحشت عمومی به موفقیت هائی دست یافت.

نمونه های دم دست

نمونه هائی که میتوان ارانه داد کشتار اسرای طایفه بنی غریضه (۸۰۰) نفر که یک روزه بدستور محمد گردن زده شدند.^۱

در این نمونه نیازی به فتوا نبوده است؛ زیرا در آن زمان که محمد حیات داشته فتوا موقعیتی نداشته است، و اراده محمد همان فتوا محسوب میشده است، و همین عمل او سبب گردید که کشتارهای دسته جمعی به صیغه های مشابهه واقعه بنی غریضه تنها با فتوا صورت بگیرد.

۱- علی در گردن زدن و کشتار این طایفه حضور داشته و شیعه و سنی ها این کار محمد و علی را یکی از افتخار های اسلام معرفی میکنند. ح-ک

کشتار در سته حعی ۴۰،۰۰۰ شبعه

حدود ۵۰۰ سال قبل سلطان سلیم پادشاه عثمانی با فتوای شیخ الاسلام کورش که قتل یک شیعه را برابر با قتل ۷۰ کافر حربی دانسته بود قتل عام شیعیان در خاک عثمانی سبب کشته شدن ۴۰ هزار تن از شیعیان مقیم عثمانی شد و بقیه هم پیشانی هایشان داغ شد.

سلطان سلیم پادشاه عثمانی یک مسلمان کامل بود و به سنت محمد آگاه بود معهذاً بدون اجازه و تشخیص شیخ الاسلام دستور قتل شیعیان را نداد.

نمونه سلطان سلیم نشان میدهد که قدرت سلطان که در اسلام قدرت نامحدود شناخته میشود و جامعه اولیت فهم و داناش را از برکات سلطان میداند معهذاً حقوق اسلامی پادشاه را هم در عرض مردم عوام و گمراه از نظر شرعی میداند و اختیار مصالح شرعی را محول شیخ الاسلام ویا مرجع تقلید کرده است نه پادشاه و سلطان مامور اجرای فتاوی است نه حاکم.

نمونه دیگر کشتار ارامنه

در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۲۳ حدود یک میلیون از ارامنه مقیم عثمانی بوسیله دولت وقت قتل عام شدند این جنایت تاریخی عظیم که فراموش شدنی نیست و هنوز در عرصه سیاسی رخ نماست و دولت فرانسه در سالهای اخیر آنرا نسل کشی نامید، بوسیله فتوای شیخ الاسلام های وقت صورت گرفت.

نکته جالب این است که اکنون که حدود ۹۰ سال از آن جنایت تاریخی میگذرد و جهان اصرار دارد که دولت ترکیه کشتار ارامنه را محکوم کند و حتی یکی از شروط عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا محکومیت کشتار ارامنه است دولت ترکیه زیر بار این درخواست اخلاقی نمیرود میدانید چرا؟

زیرا کشور ترکیه یک کشور مسلمان است و کشتار ارامنه بنابر تشخیص شیخ الاسلام در مورد کفار صورت گرفته است.

درست است که جنبش ترکهای جوان و استعداد ملی که بنام پان ترکیزم از موجبات کشتار ارامنه بود ولی ابزار برسمیت شناختن و اجرای آن جنایت عظیم فتوای شیخ الاسلام بود که توانست وصلت فکری و عملی بین عثمانی ها خاصه نظامیان ترک و ارامنه را فراهم آورد.

همین مورد کشتار ارامنه میتواند ماباه اهمیت نقش فتوا در کشتارهای جمعی در جوامع اسلامی حتی تا امروز بیشتر آگاه سازد.

نمونه دیگر کشتارهای الجزایر

کشتارهای عظیمی که اسلام گرایان متعصب الجزایری در سال ۱۹۹۱ از مردم الجزایر کردند که بقولی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار الجزایری از کودک وزن و مرد رابه طرز فجیعی کشتار کردند در تاریخ بنام جبهه اسلام گرای الجزایر ثبت است از بابت بی رحمی بی مثل شناخته شده روزنامه فیگارو نوشت <در یکجا اهالی یک قریه را از کودک وزن و مرد سر بریدند و آتش زدند>.

با وجود این فاجعه علنی و جنایات آشکار و انعکاس آن در مطبوعات و رسانه ها هیچیک از مقامات مذهبی و یادولتی الجزایر این جنایات را محکوم نکردند.

روزنامه فیگارو نوشت آتش بس نظامی توسط جبهه اسلام گرای الجزایر در ۱۴ اکتبر سال ۹۷ قبای آبرومند و مشروعیتی بود که بر جنایات مسلمانان الجزایر پوشانده شد.

(کیهان لندن همان شماره)

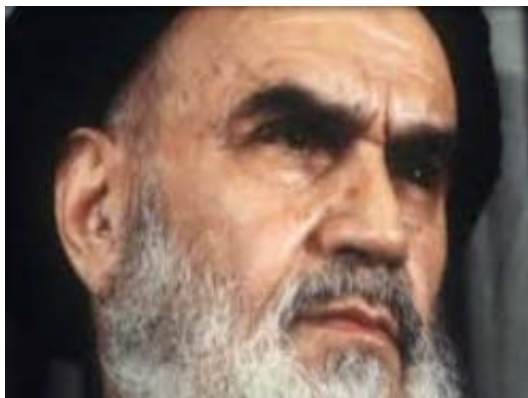
میدانید چرا جنایات مسلمانان الجزایر از سوی دولت آن کشور ویا مقامات مذهبی و سیاستمداران محکوم نشد؟ زیرا جبهه اسلام گرای الجزایر فعالیتش زیر نظر شخصیت های مذهبی الجزایر و اعمال آنها با فتوای علمای مذهبی صورت میگرفت.

اساسا فتوا یک پدیده مذهبی مسلط بر جامعه حقوقی است که دولت نمیتواند آنرا متوقف سازد و یا مانع حرکت آن گردد. قوه قضائیه فقط تماشاچی است؛ دخالت دین و مذهب در حکومت و قانون و نیز سلب حاکمیت مردم که از میانی حقوق اسلامی است وضعیت را بوجود آورده که جامعه انسانی در کشورهای اسلامی بر پایه های فتاوی مستقر هستند نه حتی حقوق اسلامی؛ یادتان هست که فتوای قتل سلمان رشدی را حتی دولت های اسلامی مخالف خمینی در راه مخالفت با آن راه سکوت را انتخاب کردند.

حاشیه فراموش نشود که در طول حاکمیت اسلام در کشور ما تنها در دوران سلطنت پهلوی هابود که فتاوی به هیچوجه در مبانی حقوقی کشور ویا سیاست دولت ورودی نداشت و تنها در حد مسائل مذهبی محدود میشد و این عالی ترین نوع سکولاریسم که با آزادی مذهب و اعلامیه جهانی حقوق بشر هم کامل منطبق است جریان داشت. (پایان حاشیه)

کشتار دستجمعی در زندان اوین

کشتار سال ۶۷ در زندان اوین که گفته میشود ۳۸۴۰ به فتوای خمینی اعدام شدند، این عمل ممکن نبود، مگر فتوای خمینی ویا حاکم شرعی که مسلط بر امور است. ملاحظه دارید که هیچیک از بانیان این جنایت تاریخی نه تنها محاکمه نشدند بلکه به مقامات بالای حکومت اسلامی هم رسیدند و عجیب آنکه اخیرا یکی از همان عاملان اعدام اعلام افتخار هم کرد.



جریان بالا نشانی از قدرت فتوا و تصمیم مراجع مذهبی در جامعه اسلامی ایران است، فتوا را میتوان با زلزله تشبیه کرد که وقتی حرکت میکند کودک و خردسال و غیره نمیفهمد، وقتی فتوای آتش زدن سینما رکس صادر شد نه صادرکننده فتوا و نه اجرا کننده آن حقیقا قصد آتش زدن

کودکان را نداشته اند ولی فتوا و هدف اسلام هیچ تفاوتی بین خردسالان و مکلفین نمیگذارد؛ واقعا مصداق «آتش که گرفت خشک و ترمیسوزند» است یادتان هست فتوای خمینی درباره طاغوت چه کشتاری برآورد انداخت.

دستاوردهای ابن تحریر

علت کشتارهای جمعی که میتوان در راس آنها کشتار ۱۱ سپتامبر را قرارداد و اکنون کشتارهای جمعی حالت عمومی و مدروز مبارزه اسلام گرایان شده است؛ استراتژی اسلام برای توسعه و فراگیری جهانی است و سنت محمد تنظیم کننده و قدرت حکم آن است.^۲

قائل شدن مرز بین اسلام حکومتی و اسلام تهذیبی ممکن نیست، البته از نظرتئوری ممکن است کما اینکه سنگر سالها بدنبال آن بود ولی فکر خامی است. قدرت نیاز به حکومت دارد خاصه که قدرت ناشی از جنبه های الهی باشد. سلطنت هم همینطور بوده است که انقلاب مشروطیت و قانون اساسی مشروطه این حد را ساقط کرده است و ده ها سال حکومت پادشاهی در این قاعده محدودیت پاسدار ایران بود ولی حکومت و قدرت اسلامی محدودیتی متأسفانه ندارد؛ این یک بلای عمومی است که راهی برای از بین بردن آن در دنیای امروز با وجود سپر اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار ناممکن است. سکولاریسم هم یک درمان سطحی و موقتی و بیشتر جنبه تنوری دارد و مصداق <کاجی بهتر از هیچ چیز است>.

مشکلی که عرض شد جنبه جهانی اسلام و اسلامگرانی است جوامع بشری و کشورها وضع دیگری دارند و آن هشیاری روشنفکران و مردان سیاست است که درست اسلامگرایان را از حکومت و مقدمات قدرت ساقط کنند و آنها را بدین طریق منزوی سازند و این مهم با گذاشتن یک شرط در انتخابات و یا خدمت دولت میتواند ظهور مناسب داشته باشد و این شرط آن است که شخص نباید بیگانه پرست باشد و بیگانه پرستی هم تعریف شود، که تسری آن دقیقاً به اسلام بر میگردد مقصود از این مقدمات ابن است که اسلام را

نمیتوان از بین برد ولی میتوان از اجتماع منزوی ساخت

۲- از نمونه های کشتار جمعی حمله با کامیون ها به مردم در انگلیس و بلژیک و اسپانیا را هم میتوان نام برد.
ح-ک